

## مقایسه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال بحران اوکراین

سیدمهدی میرعابدینی کچومتقالی<sup>۱</sup>

محمدحسین الهوردی<sup>۲</sup>

### چکیده

حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ یکی از نقاط عطف مهم و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد محسوب می‌گردد. این بحران با واکنش‌های مختلفی از سوی کشورهای روبرو شده است که بیانگر اهمیت این بحران در سیاست خارجی کشورها است. با توجه به روابط نزدیک دو کشور ایران و ترکیه با روسیه و نقش کلیدی آن‌ها در خاورمیانه، الگوی سیاست خارجی دو کشور در قبال بحران اوکراین متفاوت بوده است. ایران با توجه به روابط نزدیک خود با روسیه به ویژه پس از ارسال تسلیحات نظامی به روسیه و تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران و با توجه به منافع ملی و استراتژیک خود،

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

smirabedini@gmail.com

mohammadhosein.alahverdi@gmail.com

۲. پژوهشگر حوزه سیاست خارجی.

در سمت روسیه قرار گرفته است. از سوی دیگر، ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهای عضو ناتو که به دنبال تقویت روابط خود با غرب است، به حمایت از اوکراین در برابر تجاوز روسیه پرداخته است. سؤال اصلی مقاله این است که دو کشور ایران و ترکیه چه سیاستی را در قبال بحران اوکراین در پیش گرفته‌اند و این سیاست‌ها چه تأثیری بر منافع ملی آن‌ها دارد؟ فرضیه مقاله این است که ایران با اتخاذ رویکردی محتاطانه به دنبال تقویت روابط خود با روسیه و کاستن از فشارهای غرب و مقابله با تحریم‌ها است، در حالی که ترکیه با دیپلماسی فعال و حمایت از اوکراین تلاش می‌کند روابط خود با غرب را تقویت کند و نقش خود را در عرصه بین‌المللی و ناتو افزایش دهد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی می‌کوشد تا به بررسی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران اوکراین بپردازد و تصویری جامع از الگوی سیاست خارجی دو کشور در این زمینه ارائه دهد.

#### کلیدواژه‌ها:

ایران، ترکیه، روسیه، اوکراین، سیاست خارجی، جنگ، ناتو.

برای بررسی دقیق رفتار دولت‌ها ابتدا باید سیاست خارجی حاکم بر آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. با در نظر گرفتن نظم بین‌المللی موجود می‌توان گفت در حوزه اوراسیا، آتلانتیک و بالکان، روسیه قدرت مسلط به شمار می‌رود. این امر دلیلی بر تلاش غرب برای نفوذ در این مناطق است. بنابراین بحران اوکراین را می‌توان در چارچوب گسترش نفوذ غرب به اروپای شرقی و گسترش ناتو به شرق مورد بررسی قرار داد. بحران اوکراین در شرایطی ادامه پیدا کرده است که بازیگران متعددی در آن ایفای نقش می‌کنند. پیامدهای جهانی شدن بحران اوکراین تنها محدود به کشورهای اروپایی نشده و در اولویت سیاست خارجی بسیاری از کشورها قرار گرفته است. در این میان کشورهای همانند ایران و ترکیه که روابط نزدیکی با روسیه دارند، خواه ناخواه تحت تأثیر این بحران قرار می‌گیرند.

اوکراین به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود در منطقه اوراسیا از اهمیت زیادی برخوردار است. این موقعیت ژئوپلیتیکی و همچنین بافت چندپاره آن، این کشور را به محلی برای رقابت بین شرق و غرب تبدیل کرده است. در واقع بحران اوکراین را می‌توان رقابت بین قدرت‌های بزرگ برای نفوذ در این منطقه توصیف کرد. مهم‌ترین دلیل روسیه برای تجاوز نظامی و حمله به اوکراین، جلوگیری از گسترش نفوذ غرب در شرق اروپا و حوزه بالتیک و جلوگیری از عضویت اوکراین در ناتو است.

در جریان جنگ روسیه و اوکراین که از اواخر ماه فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شد، ترکیه با توجه به مجاورت جغرافیایی با اوکراین و همچنین ارتباطات خود با هر دو کشور روسیه و اوکراین، نقش میانجی در این بحران را بازی کرد. از پس از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ میلادی نیز روابط این کشور با اوکراین و روسیه گسترش یافت و در زمینه‌های

مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری و نظامی با کی‌یف و مسکو وارد فاز جدیدی از همکاری‌های گسترده گردید. به لحاظ سیاسی نیز ترکیه با هر دو کشور روسیه و اوکراین دارای روابط صمیمانه سیاسی است و به موازات آن در دیگر زمینه‌ها نیز روابط نزدیکی با هر دو کشور دارد. پس از بحران اوکراین نیز این کشور موفق شده است تا به‌عنوان میانجی بین دو طرف ظاهر شود و روابط خود با روسیه را نیز حفظ کند.

از سویی دیگر ایران نیز یکی دیگر از بازیگران مهم در این بحران به‌شمار می‌رود. خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های غرب بر ضد ایران و تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا علیه روسیه، دو کشور را از نظر قرار گرفتن تحت فشارهای اقتصادی غرب در وضعیت مشابهی قرار داده است. همین امر یکی از دلایل اصلی نزدیکی روابط دو کشور محسوب می‌شود. جنگ در اوکراین همکاری روسیه و ایران را در سطوح مختلف و در حوزه‌هایی چون انرژی، ترانزیتی، بانکی و پولی افزایش داده است. یکی دیگر از نقاط اشتراک دو کشور مخالفت با گسترش ناتو به شرق است. روسیه اوکراین را حوزه نفوذ خود می‌داند و خواهان دوری اوکراین از پیوستن به ناتو است. اوکراین نیز برای حفظ حاکمیت و استقلال خود و هم به‌لحاظ اقتصادی به دنبال ارتباط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا و ناتو است. برای اتحادیه اروپا نیز، اوکراین یک حائل امنیتی بین روسیه و اروپای غربی و جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه به مرزهای اروپایی محسوب می‌شود.

### پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران اوکراین به صورت جداگانه مقاله‌های متعددی نوشته شده است که می‌توان به مواردی اشاره کرد. از جمله:

- سعید شکوهی و حسین قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر جنگ ۲۰۲۲ م اوکراین بر روابط ایران و روسیه؛ مطالعه موردی: دیدگاه نخبگان ایرانی» در سال ۱۴۰۲،

رویکرد نخبگان (علمی و ابزاری) ایرانی درباره جنگ روسیه و اوکراین و تأثیر آن بر روابط تهران و مسکو مورد بررسی قرار داده‌اند.

- عماد هلال‌لات و حمید حکیم در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در بحران اوکراین؛ توازن و بهره‌وری حداکثری» در سال ۱۴۰۲، سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران اوکراین را مورد بررسی قرار داده‌اند.

- حمید صالحی و مرضیه سادات سجادی نیز در مقاله‌ای با عنوان «مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)» در سال ۱۴۰۱، استراتژی سیاست خارجی ایران را درخصوص بحران کنونی اوکراین مورد بررسی قرار داده‌اند.

- رحمت حاجی مینه در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ اوکراین» در سال ۱۴۰۱، به سیاست خارجی ترکیه در بحران اوکراین پرداخته است و به این پرسش اساسی پاسخ داده است که سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ اوکراین چگونه بوده است؟ نویسنده معتقد است که جنگ اوکراین با ایجاد تهدیدها و فرصت‌های هم‌زمان برای منافع ملی ترکیه، باعث شده است که این کشور سیاست میانجی‌گری و توازن را برای کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌های این جنگ در پیش بگیرد.

- عماد هلال‌لات در کتابی با عنوان «استراتژی قدرت‌های خاورمیانه در بحران اوکراین» در سال ۱۴۰۲، سیاست چهار بازیگر مهم منطقه (ایران، عربستان، ترکیه و اسرائیل) را در بحران دوساله میان اوکراین و روسیه که از اسفندماه ۱۴۰۰ شروع شده و تا کنون نیز ادامه دارد و همچنین استراتژی هر کدام از این کشورها را مورد بررسی و واکاوی قرار داده است، به طوری که در ابتدا سیاست هرکدام از این کشورها در این بحران به صورت یک مقاله در آمده و در نهایت با تجمیع مقاله‌ها

در سه فصل و اضافه کردن دو فصل اول و پنجم به کتاب، نتیجه و برآوردی پیش‌روی مخاطب قرار داده شده است. این کتاب را می‌توان سرآغازی برای نگارش و تحلیل و بررسی سیاست‌های کشورهای خاورمیانه در قبال تحولات جهانی به خصوص بحران اوکراین دانست.

- محمود قانلی در سال ۱۴۰۳ در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران و در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "نقش جنگ اوکراین و اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه در تقویت روابط روسیه و ایران" می‌نویسد: رخدادهای بین‌المللی در مقاطع زمانی متفاوت الگوهای جدیدی از همکاری و تعارض را میان بازیگران بین‌المللی خلق می‌کنند. از جمله رخدادهای بین‌المللی مهم در سال‌های اخیر، تحولات اوکراین و حمله نظامی روسیه به این کشور است. بروز بحران اوکراین در قرن بیست و یکم، یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در عرصه نظام بین‌الملل است و سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است.

حمله نظامی روسیه به اوکراین تبلور فصل تازه‌ای از چرخش‌های تاریخی در سطح روابط بین‌الملل است؛ رویدادی که خود محصول مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی و سیاسی و نیز تحولاتی است که طی سه دهه گذشته ساختار نظم جهانی و توازن قوا در جهان را بر هم زده است.

همان‌گونه که اشاره شد، پژوهش‌های صورت گرفته هر کدام به‌صورت جداگانه به سیاست خارجی ایران یا ترکیه درباره موضوع بحران اوکراین پرداخته‌اند. نوآوری این پژوهش در این است که به صورت هم‌زمان و در قالب یک پژوهش کامل و جامع به بررسی الگوی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران اوکراین و از منظر واقع‌گرایی می‌پردازد و از این نظریه جهت تبیین سیاست خارجی دو کشور در قبال بحران اوکراین استفاده می‌کند.

## ۱- چارچوب نظری

بی تردید واقع‌گرایی، مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل می‌باشد. جاذبه بی‌بدیل این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین‌الملل و همچنین نزدیکی آن با فهم متعارف از سیاست بین‌الملل است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۳). واقع‌گرایی، رویکردی فلسفی برای مطالعه سیاست، به‌ویژه سیاست بین‌الملل است که به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان ماندگارترین و تأثیرگذارترین سنت در این زمینه تلقی می‌شود و سنت اصلی برای تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل در اروپا و شاخه‌های آن در دنیای جدید بوده است (Walt, 2010:2).

نظریه واقع‌گرایی در شکل کلاسیک آن از افکار و اندیشه‌های توسیدید الهام گرفته است. در سنت فکری غرب توسیدید مورخ یونانی و نویسنده «تاریخ جنگ‌های پلوپونزی» از نخستین اندیشمندانی تلقی می‌شود که اندیشه‌های واقع‌گرایانه‌ای را در زمینه سیاست جهانی ارائه داده است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۷۵). از منظر تبارشناسی، ریشه‌های مکتب واقع‌گرایی به نوشته‌های توسیدید در سال ۴۰۰ پیش از میلاد و همچنین آثار اندیشمندانی چون سنت آگوستین، هگل، ماکیاولی، توماس هابز و هانس مورگنتا بازمی‌گردد (Frieden & lake, 2000:12). به این دلیل که رئالیسم در چند دهه گذشته به‌طور مشخص به مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل تبدیل شده است، آن را «جریان اصلی<sup>۱</sup>» یا پارادایم مسلط روابط بین‌الملل می‌خوانند.

نظریه واقع‌گرایی از شکل کلاسیک خود تاکنون به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده است. به رغم تقسیم‌بندی‌های گوناگونی که از رئالیسم مطرح شده است و با پذیرش تفاوت‌های بسیار مهمی که بین رئالیسم تاریخی، ساختاری و انواع دیگر رئالیسم وجود دارد، می‌توان هسته مشترکی از مفروضات در این مکتب را شناسایی کرد که همه

رنالیست‌ها کم و بیش به آن باور دارند (اطاعت، رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۷-۲۱۶). مفروضات رنالیسم که در قالب مباحث فرانظری هستی‌شناختی قرار می‌گیرند دارای مؤلفه‌هایی چون آنارشی، قدرت، منافع ملی، دولت، موازنه قوا و ... است. چارچوب نظریه واقع‌گرایی بر چندین پیش‌فرض مبتنی است: نخست اینکه دولت، واحد اصلی تحلیل است (اطاعت، رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۹). در نگاه واقع‌گرایی بر نقش محوری دولت تأکید می‌شود و روابط بین‌الملل نیز متشکل از دولت‌هاست و دیگر بازیگران بین‌المللی نظیر اشخاص، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی اهمیت چندانی ندارند بلکه تنها ابزاری در دست دولت‌ها هستند (فتحی، ۱۳۹۹: ۲۷۶-۲۵۳). دوم آن‌که دولت‌ها در پی بقا هستند و به صورت یک کنشگر یکپارچه و منطقی شناخته می‌شوند. تفاوت در قدرت دولت‌ها نیز دلیلی بر ادعای واقع‌گرایان به این امر است که دولت‌ها در پی بقای خود هستند. (اطاعت، رضایی ۱۳۹۰: ۲۲۰). برای درک نگرش واقع‌گرایانه از روابط بین‌الملل، فهم آنارشی نیز لازم به نظر می‌رسد. دیدگاه واقع‌گرایی معتقد است نظام بین‌الملل یک نظام هرج و مرج‌گونه است که بازیگران در جهت حفظ منافع ملی و حفظ خود و در یک سیستم خودیاری تلاش می‌کنند. تصویر آنارشی در مکتب واقع‌گرایی به خودی خود هیچ ارتباطی با منازعه ندارد، بلکه یک اصل نظم‌دهنده است که نظام بین‌الملل را متشکل از دولت‌های مستقلی می‌داند که از هیچ اقتدار مرکزی پیروی نمی‌کنند. به عبارت دیگر، از آنجا که هیچ قدرت فائقه‌ای در رأس نظام بین‌الملل وجود ندارد، حاکمیت در درون دولت‌ها نهادینه شده است. یعنی حکومتی بر فراز حکومت‌ها در نظام بین‌الملل وجود ندارد و هر دولت خود را بالاترین مرجع اقتدار می‌داند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

قدرت نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی است. مخرج مشترک بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل، تلاش برای کسب قدرت، حفظ قدرت و نمایش قدرت به منظور کسب اعتبار و پرستیژ بین‌المللی است. بنابراین طبیعی است که چنین بازیگری

باید پیوسته در حال افزایش سطح قدرت خود در رقابت با سایر بازیگران باشد (اطاعت، رضایی، ۱۳۹۰: ۲۲۲). واقع‌گرایان معتقدند از آنجایی که کشورها در یک محیط آنارشی قرار دادند لذا می‌بایست در جهت حفظ امنیت و بقاء خود به دنبال بیشینه‌سازی قدرت باشند. واقع‌گرایان قدرت را عامل تعیین‌کننده نظام بین‌الملل می‌دانند.

موزانه قوا نیز از دیگر مفاهیم موردنظر واقع‌گرایان است. معنای ساده واژه توازن قوا عبارت است از وجود نوعی تعادل بین قدرت کشورهای عضو نظام بین‌الملل به نحوی که هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانند از چنان قدرت مسلطی برخوردار شوند که اراده خود را بر دیگران تحمیل کنند. بر مبنای نظریه توازن قوا تا زمانی که بین کشورها یا بلوک‌های جهانی از نظر قدرت توازن وجود داشته باشد احتمال شروع جنگ و درگیری بین آن‌ها وجود نخواهد داشت. اما چنانچه توازن قوا بین دو کشور یا دو اتحادیه و بلوک بین‌المللی به هم بخورد، احتمال جنگ و درگیری بین آن‌ها افزایش می‌یابد (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۲۳). در رابطه با منافع ملی، واقع‌گرایان بر به‌کارگیری مؤثر و عاقلانه قدرت، توسط کشورها با هدف تأمین منافع ملی، تأکید دارند. سیاست خارجی واقع‌گرا، سیاستی منفعت‌محور است که مهم‌ترین هدفش، تأمین و تعقیب منافع ملی است. هانس جی. مورگنتا، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرا، مفهوم منافع ملی را در کانون توجه مباحث نظری این حوزه مطالعاتی به‌عنوان واقعیتی عینی و مهم، قلمداد نموده و معتقد است که منافع ملی معیاری همیشگی است که باید با آن اقدام سیاسی را ارزیابی نمود (صادقی، لطفی، ۱۳۹۴: ۷۶).

### سیاست ایران و ترکیه بر اساس چارچوب نظریه واقع‌گرایی

نظریه واقع‌گرایی به دلیل تأکید بر مسائل عینی، یکی از نظریه‌های مناسب جهت تحلیل رویکرد سیاست خارجی دولت‌ها و واکنش آن‌ها نسبت به تحولات پیرامونشان است. به‌ویژه آن‌که این نظریه برای حفظ منافع ملی دولت‌ها در مناسبات‌شان با یکدیگر

اهمیت فراوانی قائل است. در همین راستا، رفتار جمهوری اسلامی ایران و ترکیه نسبت به بحران اوکراین از نظریه واقع‌گرایی پیروی می‌کند. چرا که هر دو کشور به دنبال بیشینه‌سازی قدرت و تأمین حداکثری منافع ملی خود هستند. علاوه بر این که حضور بازیگران متفاوت در این بحران و قرار گرفتن منافع متعارض ایران و ترکیه در مقابل یکدیگر، موجب تشدید رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شده است.

این دو کشور، هر کدام به شیوه‌ای خاص به بحران اوکراین واکنش نشان داده و تلاش می‌کنند تا با توجه به اولویت‌های خود، از این وضعیت بهره‌برداری کنند. بحران اوکراین فرصتی مناسب جهت نزدیکی هر چه بیشتر ایران و روسیه و کاستن از فشارهای تحریمی از سوی غرب است. جمهوری اسلامی به دنبال آن است تا بتواند از حمایت‌های روسیه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بهره‌برداری کند. از سوی دیگر ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان نیز، به دنبال حفظ موقعیت خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. این کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، در تلاش است تا به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب عمل کند و از آن رهگذر، به دنبال تأمین منافع ملی خود است. بنابراین، تحلیل رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال بحران اوکراین از دیدگاه نظریه واقع‌گرایی نشان‌دهنده تلاش این دو کشور برای حداکثر کردن منافع خود در یک چارچوب رقابتی و پرتنش بین‌المللی است. این روند، نه تنها بر تحولات جاری در اوکراین، بلکه بر الگوهای کنونی و آینده سیاست‌گذاری در عرصه جهانی تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین رفتار جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال بحران اوکراین در قالب رویکرد واقع‌گرایی که بر مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی تأکید بیشتری دارد، قابل تحلیل است.

## پیشینه بحران اوکراین

برای درک بهتر ریشه‌های اختلافات میان دو کشور روسیه و اوکراین باید نگاهی تاریخی به وقایع جنگ دوم جهانی بیاندازیم. با شروع جنگ دوم، اوکراین از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ به اشغال آلمان نازی درآمد و نیروهای نازی به عنوان نیروهای آزادی‌بخش مورد استقبال بخشی از مردم اوکراین قرار گرفتند. جدایی اوکراین از روسیه ۴ ماه قبل از فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱، با یک همه‌پرسی شکل گرفت و با توجه به کسب ۹۰ درصد آرا این اتفاق به صورت رسمی به تصویب رسید (یعقوبی راد، ۱۴۰۰).

در سال ۱۹۹۴ در بیانیه‌ای غیررسمی در بوداپست و با میانجی‌گری آمریکا، روسیه حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را به رسمیت شناخت و اوکراین در برابر آن، سلاح‌های هسته‌ای خود را به روسیه تحویل داد. در سال ۲۰۱۰ اروپا گفتگو برای توافق در مورد منطقه تجارت آزاد با اوکراین را آغاز کرد. اما با پیروزی یانوکویچ<sup>۱</sup> در این سال، وی متمرکز ساختن قدرت و بازگشت اوکراین به مدار روسیه را آغاز کرد. توافق نامه تجارت آزاد ابتدا در ژوئیه ۲۰۱۲ مطرح شد، اما یانوکووویچ اعلام کرد که توافق را امضا نخواهد کرد. نتیجه این رفتار، شورش در میدان اروپا و خشونت خیابان‌های کی‌یف و سقوط دولت اوکراین بود. دولت جانشین به رهبری پترو پوروشنکو<sup>۲</sup>، تمایل داشت تا به جای عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توافق با اتحادیه اروپا را امضاء کند. پاسخ روسیه به این خواسته، اشغال کریمه و حمایت از شورشیان در شرق و جنوب اوکراین و آغاز همه‌پرسی در کریمه بود که با مخالفت آمریکا، اتحادیه اروپا و دولت کریمه روبرو شد. این اقدام از سوی سازمان ملل متحد پذیرفته نشد و مجمع عمومی سازمان ملل، الحاق کریمه به روسیه را غیرقانونی اعلام کرد (ولی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۲).

پس از اتفاقات سال ۲۰۱۴ و اشغال منطقه کریمه، حمایت روسیه از جدایی طلبان شرق اوکراین (لوهانسک<sup>۱</sup> و دونتسک<sup>۲</sup>) شکلی علنی‌تر و جدی‌تر به خود گرفت. روسیه بارها اعلام نموده بود حضور نظامی ناتو را در نزدیکی مرزهای خود تحمل نخواهد کرد و در برابر نزدیکی روزافزون دولت کی‌یف به غرب منفعل نخواهد بود. با تشدید حمایت‌های روسیه از جدایی طلبان شرق اوکراین، وضعیت در این کشور به مرحله‌ای بحرانی رسید. متعاقب ادامه این وضعیت، در آخرین ماه سال ۲۰۱۴، پارلمان اوکراین رای به الحاق این کشور به ناتو را صادر نمود (یعقوبی راد، ۱۴۰۰).

برای مسکو قابل قبول نبود که ناتو را در امتداد مرزهای خود ببیند. چرا که پوتین گسترش ناتو را تهدیدآمیز و چشم‌انداز پیوستن اوکراین به آن را تهدیدی بزرگ می‌خواند. به همین منظور در ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱ به آمریکا و ناتو پیشنهاد یک توافق جدید را داد که آن‌ها را از شرق اروپا بیرون کند. پوتین خواستار عدم گسترش بیشتر ناتو، مسدود کردن دائمی پایگاه‌های آن در قلمرو شوروی سابق و خروج تسلیحات هسته‌ای آمریکا از اروپا شد. او همچنین از ناتو خواست تا فعالیت‌های خود را در کشورهای اروپای شرقی و به‌ویژه در کشورهای بالتیک و در لهستان متوقف کند، اما عدم توجه به نگرانی‌های مسکو باعث شد تا سرانجام پوتین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ با صدور فرمان عملیات نظامی علیه کی‌یف جنگ را آغاز کند. (سمیعی اصفهانی، فرحمند ۱۴۰۱، ۱۰۳-۱۰۲).

## اهداف روسیه در حمله نظامی به اوکراین

روسیه از حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲ اهدافی را دنبال می‌کند. این اهداف شامل:

- نگرانی‌های امنیتی از گسترش ناتو به شرق: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از کشورهای شرق اروپا که سابقاً تحت نفوذ شوروی بودند، به عضویت

1. Luhansk  
2. Donetsk

ناتو درآمدند. روند گسترش ناتو به سوی شرق، نگرانی‌های امنیتی جدی برای روسیه ایجاد کرد. روسیه از نزدیک شدن ناتو به مرزهای خود به شدت نگران است و این نگرانی‌ها با احتمال پیوستن اوکراین به ناتو به اوج خود رسید.

- ایجاد منطقه حائل بین روسیه و غرب: با کنترل بخش‌هایی از اوکراین، روسیه می‌تواند یک منطقه حائل بین خود و کشورهای غربی ایجاد کند. این منطقه حائل می‌تواند به کاهش تهدیدات امنیتی از جانب ناتو و غرب کمک کند، - کنترل سیاسی و نفوذ منطقه‌ای در حوزه‌های پسا شوروی: روسیه همواره تلاش کرده است تا نفوذ خود را در کشورهای پسا شوروی حفظ کند. اوکراین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین این کشورها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است

- پاسخ به تحولات داخلی اوکراین در پی انقلاب ۲۰۱۴ این کشور: انقلاب ۲۰۱۴ در اوکراین که به سقوط دولت طرفدار روسیه و روی کار آمدن دولت‌های نزدیک به غرب منجر شد، نگرانی‌های روسیه را تشدید کرد. روسیه این انقلاب را به عنوان کودتایی تحت حمایت غرب دید و احساس کرد که باید برای حفظ منافع خود در اوکراین واکنش نشان دهد.

- حفاظت از حقوق روس‌زبانان در این کشور: روسیه مدعی است که روس‌زبانان در اوکراین تحت تبعیض و فشار قرار دارند و نیاز به حمایت دارند و تاریخ و هویت ملی مشترک با اوکراین نیز، از دیگر اهداف روسیه در حمله به اوکراین است (قائدی ۱۴۰۳).

### مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران اوکراین

ایران یکی از بازیگران تأثیرگذار خاورمیانه در بحران اوکراین است. سیاست ایران در قبال بحران اوکراین را باید در راستای سیاست ایران در قبال روسیه ارزیابی کرد. با وجود چالش‌های تاریخی در روابط ایران و روسیه، در دهه گذشته، تشدید تحریم‌های غرب

علیه ایران و خصومت بین این کشور و ایالات متحده، تهران را بر آن داشته است تا روابط عمیق‌تر سیاسی، اقتصادی و امنیتی با مسکو را دنبال کند. دیدگاه روسیه با دیدگاه ایران در مورد نظم جهانی چندقطبی که نقش ایالات متحده در آن کاهش یافته است مشترک است (هلالیات، حکیم، ۱۴۰۲: ۱۸۰). در سیاست «نگاه به شرق» و دور زدن تحریم‌ها، ایران، روسیه را به‌عنوان عنصری حیاتی از تعادل اوراسیا می‌بیند که می‌خواهد بخشی از آن باشد.

موضع ایران در قبال بحران اوکراین و آنچه که در ادبیات رسمی کشور عنوان می‌شود، واکنش محتاطانه و آرام و نسبت به حمله روسیه به اوکراین است. هر چند که مقامات ایران در سخنان خود مخالفت خود را با جنگ اوکراین ابراز می‌کنند، اما مسئولیت این بحران را متوجه مسکو نمی‌دانند. از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، ایران به شکل‌های مختلف جنگ را محکوم کرده است و بر توقف جنگ و آغاز گفتگوهای دوجانبه تأکید می‌کند. همچنین ایران با تأکید بر بررسی علل بحران جنگ، توقف آن را مشروط به حل ریشه‌ای این بحران (جلوگیری از گسترش ناتو به شرق) ارزیابی کرده است (Iran's representative office in the United Nation, 2022). علی‌بهداری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم ایران هم در واکنش به رویدادهای اوکراین نوشت: «دغدغه‌های امنیتی درباره روند فزاینده و تحریک‌آمیز گسترش ناتو به شرق برای همه کشورهای مستقل و مخالف سلطه آمریکا قابل درک است. پایبندی به حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه و تکیه بر گفتگو و دیپلماسی برای توقف درگیری‌ها ضروری است» (ایرنا ۱۴۰۱).

در جنگ آغازشده میان اوکراین و روسیه، ایران از یک‌سو توسعه‌طلبی‌های ناتو و آمریکا را در شرق اروپا به‌عنوان محرک اصلی ارزیابی می‌کند و از سوی دیگر، جنگ را راه‌حل نمی‌داند و توصیه آن به هر دو کشور پرهیز از ادامه جنگ و پیشنهاد دوستی است. ایران، بحران اوکراین را ناشی از سیاست بحران‌سازی آمریکا تعریف می‌کند و اعلام می‌دارد بحران اوکراین و مسأله

برجام مسائل امنیتی و «بحران‌هایی هستند که توسط آمریکا ساخته شده‌اند» و همان‌گونه که خروج آمریکا از برجام، واکنش ایران را برانگیخت، گسترش ناتو تا مرزهای روسیه نیز منجر به تحریک مسکو شد (صالحی، سجادی، ۱۴۰۱: ۵۶).

در نگاه جمهوری اسلامی، دولت آمریکا با تشدید احساسات ضد روسی اوکراینی‌ها و جذب آن‌ها به سوی غرب و اصرار به گسترش ناتو به مرزهای روسیه و نیز نقض پیمان ۱۹۶۳ خلیج خوک‌ها<sup>۱</sup>، عامل اصلی برپایی جنگ در اوکراین بوده است (زمانی، ۱۳۹۲: ۱۸۹۶) و ریشه اصلی بحران اوکراین (از آغاز انقلاب رنگی در اوکراین) را گسترش ناتو، تحریک اوکراین برای حرکت در مدار غرب و ادغام آن با غرب و حمایت غرب از جنبش‌های دموکراسی‌خواه (انقلاب‌های رنگی) می‌داند (مرشایمر، ۲۰۱۴: ۲۹). از سوی دیگر، ایران، سیطره‌طلبی و پیشروی ناتو به سمت شرق را تهدیدی استراتژیک برای مرزهای شمالی خود تعریف می‌کند. بنابراین ایران در چارچوب منشور سازمان ملل، دو کشور را به گفتگو دعوت کرده است، ضمن اینکه ایران دغدغه‌های امنیتی روسیه را درک می‌کند و غرب را به دلیل حضور ناتو در منطقه و گسترش آن به شرق ملامت کرده و مخالفت خود با آن را ابراز داشته است.

دلایل این واکنش آرام و محتاطانه ایران را می‌توان در روابط حسنه ایران و روسیه در چند دهه گذشته و روابط تیره این کشور با غرب در پی تحریم‌های آن و همچنین

<sup>۱</sup> - پس از پیروزی انقلاب کوبا علیه رژیم باتیستا، روابط بین کوبا و آمریکا که حامی باتیستا بود تیره شد. آمریکا که درگیر جنگ سرد با شوروی بود از اینکه یک کشور کمونیستی نزدیک به خاک آمریکا روابط خوبی با شوروی داشته باشد دلخوش نبود و از این رو در زمان آیزنهاور سی‌ای‌ای نقشه‌ای برای براندازی دولت کاسترو را طراحی کرد که بعدها با اجازه کندی اجرا شد. برنامه این بود که افراد تبعید شده وفادار به باتیستا تجهیز شده و آموزش داده شوند و در قالب شورشی به کوبا حمله کنند. اما نقشه به آن شکل که انتظار می‌رفت پیش نرفت. خلیج خوک‌ها که به عنوان محل ورود نیروها انتخاب شده بود زمینی مردابی داشت و نیروهای شورشی در آن زمین‌گیر شدند و نهایتاً بعد از ۳ روز جنگ شکست خورده و تسلیم شدند. آمریکا به شدت نقش خود در این حمله را انکار کرده بود اما کوبایی‌ها با سربازانی که اسیر شده بودند به صورت زنده در تلویزیون مصاحبه کردند و اعترافات آن‌ها را پخش کردند. حمله به خلیج خوک‌ها یکی از بدترین شکست‌های تاریخ آمریکا است. این حمله روابط کوبا و شوروی را نزدیک‌تر کرد که خود نهایتاً منجر به بحران موشکی کوبا شد.

مخالفت با گسترش ناتو به شرق دانست. به دنبال تحریم های غرب و فشارهای اقتصادی ناشی از آن و همچنین خروج آمریکا از برجام، ایران به دنبال گسترش سیاست «نگاه به شرق» (تعمیق روابط با کشورهای روسیه، چین و...) بوده تا از این طریق بتواند از فشارهای تحریمی غرب بکاهد. خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ توسط دونالد ترامپ، باعث شد بسیاری از مقامات ایرانی و حتی گزارش مرکز پژوهش های مجلس، به این نتیجه برسند که لغو تحریم های اقتصادی علیه ایران تقریباً غیرممکن است. ایران در عوض، خشتی کردن تحریم ها را سرلوحه کار خود قرار داده است. این امر مستلزم گسترش روابط با سایر کشورهای تحریم شده برای تضمین تجارت خارجی انعطاف پذیر است (Saleh 2022). گزارش های بانک جهانی نشان می دهد، از میان شش قدرت نخست اقتصادی در سال ۲۰۴۰، چهار مورد غیر غربی خواهند بود. چین، هند، ژاپن و روسیه. پیش بینی های ژئوپلتیک و اقتصادی نشان می دهند، قاره آسیا در دو دهه پیش رو، بار دیگر به نقطه ثقل اقتصاد جهانی بدل خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران بعد از خروج یک جانبه آمریکا از توافق هسته ای، در معرض سیاست حداکثرسازی فشار از جانب کاخ سفید قرار گرفت و با بدعهدی کشورهای اروپایی نیز مواجه شد، در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی سیاست خارجی خود را بر توسعه روابط با قدرت های نوظهور، تقویت روابط با همسایگان و اتخاذ دیپلماسی متوازن بنا نهاد تا رکن اساسی از «نظم جدیدی» باشد که چین و روسیه داعیه رهبری آن را در جهان «پسا-آمریکایی» را دارند (صالحی، ۱۴۰۳: ۶۱).

در تحولات اخیر، مهم ترین تأثیر جنگ اوکراین بر سیاست خارجی ایران، ظهور «نگاه به شرق تقسیم بندی شده» است که در آن روسیه به عنوان شریک اصلی نظامی - امنیتی و چین به عنوان شریک اصلی همکاری های اقتصادی ایران در نظر گرفته شده است (صالحی، سجادی، ۱۴۰۱: ۵۷). همان گونه که گفته شد ایران و روسیه دارای پیشینه نسبتاً طولانی در زمینه همکاری های راهبردی در مناطق مختلف هستند. همکاری های تهران -

مسکو جهت مدیریت امنیت در آسیای مرکزی و غرب آسیا، نشان از منافع راهبردی مشترک دو کشور دارد. صحنه نبرد سوریه، نمونه‌هایی از مهم‌ترین سوابق همکاری‌های راهبردی منطقه‌ای دو کشور محسوب می‌گردند (ایسنا ۱۴۰۱). از طرفی دیگر، در اوج‌گیری بحران اوکراین، تهران و مسکو هم‌زمان آماج سیاست‌های تحریمی آمریکا و غرب قرار گرفتند، بر این اساس، محور اصلی سفرها و و دیدارهای دیپلماتیک دو کشور، همکاری‌های اقتصادی - نظامی و منطقه‌ای، به‌ویژه مسأله مقابله با تحریم‌هاست (صالحی، سجادی، ۱۴۰۱: ۶۱-۶۰).

جمهوری اسلامی با ارزیابی آنارشیکی از نظام بین‌الملل، به دنبال رسیدن به حداکثر منافع خود از تحولات جاری در نظام بین‌الملل است و سیاست ایران در قبال بحران اوکراین را باید در همین زمینه ارزیابی کرد. بر همین مبنا، اقدامات دستگاه دیپلماسی کشور از گفتگو با طرف غربی گرفته تا گسترش روابط با روسیه و چین، همواره به منظور بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها برای تأمین منافع ملی و کاستن از فشارهای تحریمی غرب است.

### فرصت‌های جنگ اوکراین برای ایران

جنگ در اوکراین فرصت‌های جدیدی را برای ایران ایجاد کرده است تا منافع خود را هم با روسیه و هم با غرب پیش ببرد. در ادامه به برخی از این منافع اشاره خواهد شد:

۱- با ریاست جمهوری مجدد دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۵ میلادی و به‌کارگیری سیاست فشار حداکثری در قبال ایران و عدم تعهد وی به برجام، ایران برای فرار از فشارهای تحریمی آمریکا و غرب، به کمک چین و روسیه نیاز خواهد داشت. بنابراین حفظ روابط نزدیک با روسیه می‌تواند تا حدی از فشارهای تحریمی بکاهد. این امر موجب می‌شود تا ایران در قبال بحران اوکراین واکنش محتاطانه‌ای داشته باشد.

۲- ایران جنگ اوکراین را در راستای تأمین منافع خود ارزیابی می‌کند. طولانی شدن جنگ موجب افزایش سطح تسلیحات دو طرف نزاع خواهد شد که افق روشنی برای آن متصور نیست. از سویی دیگر، ایران می‌تواند نیازمندی‌های نظامی خود را در این شرایط تأمین کند. با توجه به اینکه در شرایط مغایر، تأمین نیازمندی‌های نظامی ایران از روسیه به کندی صورت می‌گرفت. ایران هم می‌تواند بخشی از نیازمندی‌های روسیه را در حوزه جنگ تأمین کند. به‌ویژه این‌که روسیه به دنبال تأمین نیازهای خود از ایران، کره شمالی و چین خواهد بود (هاللات، حکیم، ۱۴۰۱: ۱۸۳).

۳- بحران اوکراین و تحریم‌های غرب علیه روسیه می‌تواند فرصت مناسبی برای تقویت روابط ایران و روسیه باشد. این دو کشور می‌توانند در زمینه‌های مختلفی از جمله اقتصادی، نظامی و سیاسی همکاری‌های خود را گسترش دهند و استراتژی‌های مشترکی را برای مقابله با تحریم‌ها تدوین کنند (بایزیدی ۱۴۰۱، ۱۵۰-۱۴۹).

۴- نزدیکی دیدگاه‌های دو کشور در زمینه نظام تک‌قطبی و مبارزه با هژمونی آمریکا و برهم زدن نظم بین‌المللی، سبب تقویت همکاری‌های سیاسی دو کشور شده است و این جنگ توانسته موجبات همکاری‌های بیشتر سیاسی بین ایران و روسیه را فراهم کند. بر این اساس، دو کشور می‌توانند در زمینه حل مناقشات منطقه‌ای مانند بحران سوریه، یمن و افغانستان همکاری کنند که به کاهش تنش‌ها و تقویت صلح و ثبات در منطقه کمک کرده و نقش دو کشور را به عنوان بازیگران موثر در منطقه تقویت کند (صالحی، سجادی ۱۴۰۱، ۵۸).

## تهدیدهای پیش‌روی ایران

به‌رغم دستاوردهای مثبت در روابط دو جانبه، جمهوری اسلامی هزینه‌هایی نیز متقبل شده است که در ادامه به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

۱- گرچه تهران حمایت نظامی از روسیه را تکذیب کرده است، اما شواهد ارائه شده از جانب اوکراین و حامیان غربی‌اش، انکار حکومت ایران در عدم دخالت در این جنگ را بلا اثر نموده و حجم فشارهای سیاسی و تحریم‌های خارجی بر علیه جمهوری اسلامی ایران را افزوده است (Sadri 2023, 50).

۲- دیگر چالش جنگ اوکراین برای ایران، عرضه ارزان‌تر نفت و محصولات پتروشیمی روسیه به بازارهای آسیایی است که سبب شده فروش فرآورده‌های نفتی ایرانی با محدودیت روبرو شود. برای نمونه، صادرات نفت خام ایران به چین پس از تحریم نفت و گاز روسیه توسط غرب، به شدت کاهش یافت. زیرا پکن با تخفیف بیشتری نفت روسیه را در مقایسه با نفت ایران می‌خرد. این در شرایطی است که بخاطر تحریم‌های آمریکا، ایران مدت‌هاست که برای سرپا نگهداشتن اقتصادش به فروش نفت خود به چین متکی بوده است. (Sharafedin et al., 2022).

۳- جنگ اوکراین ضربه سنگینی بر روند مذاکرات توافق هسته‌ای وارد و روابط ایران و اروپا را با بحرانی عمیق روبه‌رو کرده است. جنگ اوکراین، اختلافات اروپا با ایالات متحده آمریکا درباره ایران را که فاصله معناداری در موارد مختلف و از جمله توافق هسته‌ای (برجام) داشتند، از بین برد و امروز شاهد موضعی خصمانه از سوی اتحادیه اروپا به دلیل حمایت ایران از روسیه در تهاجم به اوکراین هستیم. اروپا ورود ایران به جنگ اوکراین را اقدامی علیه امنیت خود تلقی می‌کند. این امر باعث شده اتحادیه اروپا در اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه ایران در همه زمینه‌ها از هم‌پیمان خود، آمریکا، پیشی بگیرد (قربان‌اوغلی ۱۴۰۱).

۴- به رسمیت شناختن استقلال دو استان جدایی طلب شرق اوکراین، «لوهانسک» و «دونتسک»، توسط روسیه در صورتی که به یک رویه یا الگو تبدیل شود برای کشورهایی که دارای تنوع قومی و زبانی هستند، به‌ویژه در مواردی که این تنوع در نقاط مرزی باشد و ادعای استقلال‌طلبی و رفتارهای گریز از مرکز نیز وجود داشته باشد یک تهدید محسوب می‌شود (فلاحی، عامری، ۱۳۹۵: ۸۰).

## مواضع و راهبرد سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران اوکراین

شناخت سیاست‌ها و مواضع راهبردی ترکیه در رابطه با بحران اوکراین و با توجه به عضویت این کشور در ناتو و جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور، اهمیت شایانی دارد. با آغاز جنگ در اوکراین، ترکیه با اتخاذ رویکردی فعال، به دنبال میانجی‌گری برای برقراری صلح و کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌ها بوده است. ترکیه از جمله کشورهایی است که ضمن نپیوستن به تحریم‌های غرب علیه روسیه، به‌عنوان میانجی بین دو کشور عمل کرده است.

با این حال کارشناسان در ترکیه معتقدند که رابطه اردوغان با پوتین به دلیل سیاست انزوای ترکیه و تحریم تسلیحاتی توسط غرب، نزدیک‌تر شده است. از نظر این کارشناسان، به دلیل حمایت بعضی از کشورهای ناتو خصوصاً آمریکا از گروه‌های پ.پ.ک، حزب اتحاد دموکراتیک کردستان سوریه یا PYD و یگان‌های مدافع خلق یا YPG در شمال سوریه و عراق، تنها گذاشتن ترکیه توسط ناتو در مسئله بحران سرنگونی جت روسی توسط ترکیه، سکوت معنادار آمریکا در کودتای ترکیه و اتهام دست داشتن غرب در آن و حمایت از گولن توسط آمریکا و همچنین تفاهم آمریکا با روسیه در زمان انجام عملیات چشمه صلح ترکیه در سوریه، همه از عوامل مهم و تأثیرگذار در گرایش ترکیه به روسیه بوده است. همین مسائل و عدم اعتماد به غرب در شرایط بحرانی، ترکیه را به در پیش گرفتن سیاست «موازنه مثبت» در بحران اوکراین سوق داده است (ایمانی ۱۴۰۰).

ترکیه به چند دلیل مهم سیاست «موازنه مثبت» را در پیش گرفته است. از مهم‌ترین دلایل ترکیه در این سیاست، پیمان دفاعی ناتو است. اگر تمامی دول عضو در مورد مداخله مستقیم ناتو در بحران اوکراین به توافق برسند، در آن زمان ترکیه به‌عنوان یک کشور عضو، باید از موضعی علیه روسیه مانند سایر کشورهای عضو ناتو تبعیت کند. به وجود آمدن چنین بحرانی برای بسیاری از اعضای ناتو نیز هزینه سنگینی به همراه خواهد

داشت. به عبارت دیگر، در حالیکه برخی از اعضای ناتو همانند لهستان و کشورهای حوزه بالتیک در مقابل تهدیدات روسیه از قدرت تدافعی ضعیفی برخوردار هستند، دیگر اعضای پیمان ناتو مانند ترکیه و آلمان روابط متعهد کننده متقابلی با روسیه دارند. گروه اول از ناتو خواستار اتخاذ تدبیر در مقابل روسیه بوده و گروه دوم نیز راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهند (TRT, 2024).

دلیل دوم در پیش گرفتن سیاست موازنه مثبت این است که ترکیه در بسیاری از بخش‌ها از انرژی گرفته تا صنعت تسلیحات، از گردشگری گرفته تا کشاورزی با روسیه همکاری می‌کند. عبور از روسیه می‌تواند ترکیه را در موقعیت بسیار دشواری قرار دهد. خصوصاً اینکه شرایط اقتصادی ترکیه در وضعیت مناسبی قرار ندارد و شاهد تورم بی‌سابقه و افت ارزش پول ملی خود می‌باشد. هدف امضای توافقنامه ترک استریم در سال ۲۰۱۶ انتقال گاز روسیه به اروپا از طریق ترکیه بود. از نظر ترکیه این بحران مستقیماً بر ترانزیت انرژی و تأمین آن تاثیر خواهد گذاشت.

و دلیل سوم سیاست موازنه و حتی درخواست میانجی‌گری ترکیه در این بحران، اهمیت اوکراین خصوصاً دومین شهر بزرگ آن یعنی خارکف می‌باشد که نقش مهمی در تأمین صنایع دفاعی ترکیه خصوصاً موتور موشک‌ها و تانک‌ها، تأمین قطعات هواپیماهای بدون سرنشین، همچنین سیستم‌های هوایی بومی دارد (ایمانی ۱۴۰۰). ترکیه آشکارا به حمایت از اوکراین نه تنها از نظر سیاسی، بلکه از نظر نظامی نیز از طریق فروش پهپادهای بایراکتار ادامه می‌دهد که بنا بر گزارش‌ها «ماهیت جنگ را تغییر داده است» (TRT, 2024).

علی‌رغم روابط شخصی گرم بین اردوغان و پوتین، این دو رهبر به ویژه در زمینه سیاست خارجی در مناطقی مانند سوریه، لیبی و قفقاز در طرف مقابل تنش‌ها قرار دارند. ترکیه معتقد است در شرایط بحرانی چندین نوع رابطه با روسیه داشته است که مفاهیم جدیدی را نیز وارد تاریخ ادبیات سیاسی کرده. از جمله: همکاری دوستانه، همکاری

رقابتی (قره باغ)، همکاری مجادله‌جویانه (سوریه-لیبی)، همکاری منازعه‌گرایانه (سوریه و بحرین) و بحران حمله به نیروهای ترکیه در سوریه توسط روسیه و همکاری جنگ‌جویانه (بحران جت جنگی). در همه این موارد خاص، همکاری به نحوی بین روسیه و ترکیه با دیپلماسی ادامه یافته است. به همین دلیل با امید به این مسأله، ترکیه سعی در میانجی‌گری بین دو طرف درگیر را دارد (ایمانی ۱۴۰۰).

از همان ابتدای جنگ، آنکارا تلاش کرده است با استفاده از احتمالات گوناگون، مانع هزینه‌های زیاد برای خود شود و از منافع اقتصادی و امنیتی خود محافظت کند. در این میان، روسیه نیز یکی از شرکای بزرگ تجاری ترکیه برای بنادر وارداتی و یکی از تأمین‌کنندگان اصلی گاز این کشور است. همچنین گردشگری از اوکراین و روسیه برای ترکیه بسیار حیاتی است، در حالی که این منبع درآمد به سرعت رو به وخامت است. تجارت گندم با هر دو کشور حدود ۱۱ درصد واردات ترکیه را شامل می‌شود. آنکارا با دقت در تلاش است با روسیه مخالفت نکند و در عین حال به همکاری نظامی خود با اوکراین در زمینه پهپادها ادامه دهد. ترکیه در این رویکرد خود معتقد است که حمایت کامل از اوکراین، علاوه بر بار اقتصادی می‌تواند رویارویی آشکار با کرملین را به آنکارا تحمیل کند (حاجی مینه، ۱۴۰۱: ۶۲-۶۱).

ترکیه به دلیل همسایگی جغرافیایی با دو طرف نزاع (همسایگی دریایی با اوکراین و روسیه در دریای سیاه) و در اختیار داشتن گذرگاه‌های مهم برای اتصال به دریای مدیترانه، به دنبال تأمین منافع حداکثری در این بحران است. ترکیه بحران اوکراین را در راستای رقابت استراتژیک بین قدرت‌های بزرگ ارزیابی می‌کند (هلالات، حکیم، ۱۴۰۲: ۱۵۹) و با توجه به روابط راهبردی خود با ایالات متحده، به دنبال بیشترین استفاده از این بحران است. ترکیه به دنبال آن است تا روابط خود با مسکو و کیف را بدون به خطر انداختن محاسبات ژئواستراتژیک خود در منطقه حفظ کرده و در عین حال از پیوستن به

صفوف کشورهای غربی در اعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه روسیه اجتناب کند. نقش یک میانجی که رجب طیب اردوغان رییس جمهور ترکیه بسیار مشتاق به‌عهد گرفتن آن بود، به ترکیه این امکان را داد که به راحتی خود را در میانه نبرد و نه فقط در درگیری بین روسیه و اوکراین، بلکه به‌طور گسترده‌تر در مناقشه روسیه و ناتو قرار دهد (KUSA, 2022).

از آنجا که ترکیه در زمینه انرژی، تجارت و دفاع با روسیه همکاری نزدیک دارد و همچنان روابط دفاعی عمیقی نیز با اوکراین دارد، می‌خواهد تعادل بین همسایگان خود در دریای سیاه و سایر شرکای مهم اقتصادی خود را حفظ کند (Isler, 2022: 2). به‌همین علت، ضمن این‌که حریم هوایی ترکیه به روی روسیه باز است، در هماهنگی نزدیک با ناتو عمل می‌کند و تعهد قاطع خود را به تمامیت ارضی و حاکمیت اوکراین بارها تکرار کرده است. ترکیه مشارکت نکردن خود در رژیم تحریم‌های اتحادیه اروپا را با این ملاحظیات اقتصادی و امنیتی توجیه می‌کند (حاجی‌مینه، ۱۴۰۱: ۶۲). ترکیه از همان ابتدا رویکرد متعادلی را در رابطه با جنگ روسیه و اوکراین دنبال کرده است. در حالی که هواپیماهای بدون سرنشین مسلح به اوکراین فروخته است، از اعمال هرگونه تحریمی علیه روسیه خودداری کرده است. علاوه بر این، توافق با میانجی‌گری ترکیه و سازمان ملل برای اجازه صادرات ایمن غلات از بندرهای دریای سیاه اوکراین، موقعیت آنکارا را تقویت کرده است که برخی از کشورهای اتحادیه اروپا طرفدار این موضوع هستند که آنکارا این سیاست را حفظ کند، زیرا آن‌ها را قادر می‌سازد تا از طریق ترکیه به‌عنوان یک واسطه با مسکو وارد گفتگو شوند (همان). ترکیه هم با روسیه و هم با اوکراین همکاری‌های متقابلی داشته و از این‌رو نمی‌خواهد، تنش موجود به جنگ منطقه‌ای گسترده تبدیل شود. برای همین مقامات ترک مصمم به ادامه فعالیت‌های حل بحران به روش‌های صلح‌آمیز هستند (TRT, 2024).

## اهمیت پیمان ۱۹۳۶ مونترو در سیاست موازنه‌ای ترکیه

درست پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، موقعیت ترکیه در منطقه و بسته شدن احتمالی تنگه بسفر و داردانل به یکی از موضوعات اصلی مورد بحث تبدیل شد. بر اساس کنوانسیون ۱۹۳۶ مونترو که قواعد تردد دریایی از طریق دریای سیاه را تعیین کرده است، ترکیه حق دارد از عبور کشتی‌های جنگی از این منطقه جلوگیری کند و همین وضعیت به ترکیه قدرت قابل توجهی می‌دهد. بر اساس این کنوانسیون، ترکیه باید آزادی عبور و مرور همه کشتی‌های غیرنظامی و تجاری را در زمان صلح تضمین کند. با این حال، در زمان جنگ، مواد متعددی وجود دارد که با توجه به موقعیت ترکیه در جنگ، یعنی اینکه آیا کشوری متخاصم است یا خیر و اینکه آیا خود را در معرض تهدید می‌داند یا خیر، تردد کشتی‌های تجاری و نظامی را تنظیم می‌کند (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۴۰۰).

پیمان مونترو موافقت‌نامه‌ای بین ترکیه و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است که در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۶ میلادی به امضا رسید. این پیمان‌نامه، به دولت ترکیه اجازه کنترل ترابری دریایی در تنگه‌های بسفر و داردانل را داده است. بر اساس ماده نهم این پیمان، ترکیه می‌تواند تنگه‌های بسفر و داردانل را به روی کشتی‌های جنگی کشورهای درگیر در جنگ بسته و فقط به کشتی‌هایی که می‌خواهند به سواحل خود در دریای سیاه بازگردند، اجازه عبور دهد (ایران پرس ۱۴۰۰). اولین واکنش ترکیه در مواجهه با جنگ اوکراین، توسل به ابزار قدیمی خود - کنوانسیون مونترو - برای جلوگیری از گسترش جنگ و به خطر انداختن امنیت دریای سیاه بود. ترکیه با نشان دادن پایبندی شدید خود به کنوانسیون، در سومین روز درگیری، قبل از سایر کشورها اعلام کرد که تحولات به منزله «جنگ» است و بستن تنگه‌ها به روی کشتی‌های جنگی طرف‌های متخاصم را بر اساس

ماده ۱۹ کنوانسیون توجیه می‌کند. باید گفت نگرانی اصلی ترکیه امنیت منطقه‌ای بود. ترکیه از سایر کشورها خواست از اعزام کشتی‌های جنگی به دریای سیاه خودداری کنند. پس از اجرای ماده ۱۹، ترکیه از روسیه نیز خواست که کشتی‌های ناوگان دریای سیاه خود که بیرون از دریای سیاه بودند را وارد تنگه نکند، اگرچه طبق کنوانسیون مونتر و این حق را داشت (تابناک ۱۴۰۳). به طور خاص سه ماده (ماده ۱۹، ۲۰ و ۲۱) در مورد کنترل تنگه‌ها در زمان جنگ وجود دارد و در مورد اخیر در مورد اوکراین، ماده ۱۹ پس از آن که وزارت امور خارجه ترکیه تهاجم روسیه به اوکراین را «جنگ» نامید، اجرایی شد.

ترکیه عضو ناتو است و سیاست مشخصی را در منطقه دنبال می‌کند. به طور سنتی، سیاست خارجی ترکیه بر اصل عدم حذف روسیه در دریای سیاه و در عین حال حفظ روابط فرآتلانتیک استوار است. در دهه گذشته روابط امنیتی و دفاعی ترکیه با روسیه، به ویژه پس از خرید سامانه دفاع هوایی اس-۴۰۰ از روسیه در سال ۲۰۱۹ و خودداری ترکیه از پیوستن به اتحادیه اروپا و آمریکا در تحریم روسیه، افزایش یافته است. این تحولات درها را برای دیپلماسی با روسیه باز گذاشته است. با این حال، همه این تحولات در عرصه دیپلماتیک نشان می‌دهد که هنوز فضایی برای ترکیه وجود دارد که بتواند یک اقدام متعادل کننده انجام دهد و به نقش سنتی خود به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای با روابط نزدیک تر با شرکای غربی خود ادامه دهد. محکومیت تجاوز روسیه، استفاده از کنوانسیون مونتر و برای مسدود کردن تردد کشتی‌های جنگی و تمایل به ایفای نقش تسهیل کننده در مأموریت‌های دیپلماتیک بار دیگر ثابت می‌کند که ترکیه نه تنها یک قدرت منطقه‌ای است که می‌تواند از یک توافق مهم بین‌المللی، یعنی کنوانسیون مونتر و برای شکل دادن به درگیری‌های منطقه‌ای استفاده کند، همچنین یک متحد ناتو است که پتانسیل نقش‌آفرینی در حوزه امنیت را دارد (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۴۰۱).

## ارائه پیشنهادات

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده و چارچوب نظری واقع‌گرایی، می‌توان پیشنهادات ضمنی در این رابطه ارائه داد. این پیشنهادات عمدتاً در راستای بهبود سیاست خارجی ایران و ترکیه در مواجهه با بحران اوکراین و تأمین منافع ملی دو کشور هستند:

### در رابطه با سیاست خارجی ایران:

- تقویت همکاری‌های راهبردی با روسیه در حوزه‌های انرژی، بانکی، ترانزیتی و نظامی به‌منظور کاهش فشار تحریم‌های غرب.
- بهره‌برداری از بحران اوکراین برای افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و تثبیت موقعیت در برابر گسترش ناتو.
- حفظ رویکرد محتاطانه در سیاست خارجی برای جلوگیری از تقابل مستقیم با غرب، در عین حفظ منافع مشترک با روسیه.
- استفاده از فرصت‌های ناشی از هم‌سویی با روسیه برای تقویت جایگاه ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی.

### در رابطه با سیاست خارجی ترکیه:

- ادامه سیاست میانجی‌گری فعال بین روسیه و اوکراین برای تثبیت نقش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود.
- بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیکی برای ایفای نقش پل ارتباطی میان شرق و غرب و تقویت روابط با ناتو و اتحادیه اروپا.
- حفظ توازن در روابط با روسیه و اوکراین برای جلوگیری از آسیب به منافع اقتصادی و امنیتی ترکیه.

## نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال بحران اوکراین با وجود شباهت‌هایی در برخی اصول ژئوپلیتیک و استراتژیک، تفاوت‌های اساسی در رویکردها و اقدامات عملی آن‌ها مشاهده می‌شود. ایران به‌طور عمده در چارچوب سیاست‌های «نگاه به شرق» خود و به دنبال تقویت روابط با روسیه، سیاستی محتاطانه و آرام را در قبال جنگ اوکراین اتخاذ کرده است. تهران تأکید دارد که بحران اوکراین ناشی از سیاست‌های گسترش ناتو و تحریک‌های آمریکا است و از این رو، توقف جنگ را مشروط به حل ریشه‌ای این بحران می‌داند. این رویکرد، هم‌راستا با سیاست‌های امنیتی ایران در قبال تهدیدات منطقه‌ای و جهانی، بر اهمیت رابطه با روسیه به‌عنوان شریک استراتژیک برای کاهش فشارهای تحریمی تأکید دارد. ایران در این بحران، سیاستی متوازن و محتاطانه اتخاذ کرده و ضمن حمایت ضمنی از روسیه، بر لزوم راه‌حل‌های دیپلماتیک و مذاکرات صلح تأکید کرده است. حمایت ایران از روسیه به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و نظامی با هدف تقویت روابط دو کشور در برابر فشارهای غرب و تحریم‌ها انجام شده است. این رویکرد در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» ایران قابل تحلیل است. تهران با توجه به تحریم‌های شدید و تنش‌های سیاسی با غرب، به‌ویژه در پی خروج آمریکا از برجام، تلاش کرده است تا با گسترش روابط با روسیه، استقلال اقتصادی و سیاسی خود را تقویت کند. در این زمینه، ایران به‌ویژه در حوزه انرژی، فناوری و نظامی از فرصت‌های موجود بهره‌برداری می‌کند و امیدوار است که از ظرفیت‌های بازارهای آسیایی و همکاری‌های اقتصادی با روسیه برای کاهش آثار تحریم‌ها و بحران‌ها استفاده کند.

از سوی دیگر، ترکیه به‌عنوان عضوی از ناتو، سیاست «موازنه مثبت» را در پیش گرفته است. آنکارا با توجه به روابط پیچیده‌اش با روسیه و اوکراین، به‌ویژه در زمینه‌های انرژی،

نظامی و اقتصادی، از ورود به صف کشورهای تحریم کننده روسیه خودداری کرده و در عین حال، نقش میانجی را ایفا کرده است. ترکیه علاوه بر حمایت از اوکراین در زمینه تأمین تسلیحات، به دنبال حفظ تعادل در روابط خود با مسکو و کی‌یف است. ترکیه با اتخاذ یک رویکرد «موازنه مثبت» در قبال بحران اوکراین، تلاش کرده است تا روابط خود را با هر دو طرف درگیر جنگ، حفظ کند. ترکیه ضمن اینکه روابط اقتصادی و دفاعی خود را با روسیه تقویت کرده است، از سوی دیگر به حمایت‌های سیاسی از اوکراین ادامه داده و در برخی مواقع میانجیگری‌های دیپلماتیک را برای برقراری آتش بس یا حل و فصل سیاسی بحران انجام داده است. این رویکرد به ترکیه این امکان را می‌دهد که خود را به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار در حل بحران‌های جهانی معرفی کند، در حالی که در عین حال منافع اقتصادی خود را در هر دو طرف تعارض حفظ کند. به ویژه، ترکیه در استفاده از بحران اوکراین به‌عنوان یک فرصت دیپلماتیک برای تقویت موقعیت خود در ساختارهای جهانی و منطقه‌ای، به موفقیت‌هایی دست یافته است. تلاش‌های ترکیه برای حفظ روابط تجاری با روسیه و در عین حال حمایت از اوکراین، ممکن است منجر به یک جایگاه ویژه برای این کشور در نظم جهانی پس از بحران اوکراین شود. با این حال، این سیاست‌ها نیز با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است. سیاست دوگانه ترکیه در حمایت از هر دو طرف جنگ، ممکن است در آینده با خطر تنش‌های بیشتر مواجه شود، به ویژه اگر تعارض‌های ائتلاف‌های غربی با روسیه شدت یابد.

در نهایت، بحران اوکراین علاوه بر اینکه به‌عنوان یک چالش برای ایران و ترکیه عمل کرده است، فرصتی برای هر دو کشور ایجاد کرده تا با مدیریت دقیق‌تر منافع خود در این شرایط بحرانی، موقعیت استراتژیک خود را در جهان تقویت کنند. ایران با توجه به روابط استراتژیک خود با روسیه، در تلاش است تا از تحولات این بحران به‌نفع تقویت روابط اقتصادی و سیاسی خود بهره‌برداری کند. ترکیه نیز به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و جهانی

---

در تلاش است تا از موقعیت میانجیگری خود بهره‌برداری کند و در عین حال از روابطش با طرفین درگیر جنگ سود ببرد. در مجموع، بحران اوکراین نه تنها به عنوان یک چالش امنیتی و اقتصادی برای هر دو کشور ایران و ترکیه عمل کرده است، بلکه فرصتی برای هر دو کشور به شمار می‌رود تا با بهره‌برداری از تغییرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی ناشی از جنگ، سیاست‌های خود را در سطح جهانی و منطقه‌ای بازتعریف کنند و به اهداف استراتژیک خود نزدیک‌تر شوند.

## فهرست منابع

### فارسی:

سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۸۵)، *اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)*، تهران، انتشارات میزان.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، انتشارات سمت.  
بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (موضوعات بین‌المللی، جهانی شدن در آینده)*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

اطاعت، جواد و مسعود رضایی (۱۳۹۰). *نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن، فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۲، ص ۲۴۱-۲۱۳.

هلال‌ات، عماد و حمید حکیم (۱۴۰۲). *بررسی تطبیقی سیاست ایران و اسرائیل در قبال بحران اوکراین، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۱۹۶-۱۶۹.

فتحی، فرحناز، (۱۳۹۹). *نقد رئالیسم ساختاری با مداخله در سیاست خارجی و واقع‌گرایی ساختاری، فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، س دوم، ش ۴، ص ۲۷۶-۲۵۳.

قائدی، محمود، (۱۴۰۳). *نقش جنگ اوکراین و اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه در تقویت روابط روسیه و ایران، جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد خود، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران*.

بایزیدی، رحیم، (۱۴۰۱). *راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران؛ مؤلفه‌های راهبردی و تحولات آینده، فصلنامه آینده‌پژوهی*، شماره ۲، ص ۱۵۹-۱۳۷.

صادقی، سید شمس‌الدین و کامران لطفی، (۱۳۹۴). تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۱، ص ۹۴-۷۳.

حاجی مینه، رحمت، (۱۴۰۱). سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ اوکراین، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۸۹، ص ۷۲-۵۵.

هلالات، عماد و حمید حکیم، (۱۴۰۲). سیاست خارجی ترکیه در بحران اوکراین؛ بهره‌وری حداکثری، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و هفتم، شماره ۴، ص ۱۵۷-۱۸۳.

صالحی، حمید و مرضیه سادات سجادی، (۱۴۰۱). مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، سال ۱۴، ص ۷۴-۴۴.

ولی زاده، اکبر، شیرازی موگویی، سیمین و حمیدرضا عزیزی، (۱۳۹۴). تاثیر بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین بر روابط روسیه و ایالات متحده، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره هشتم، شماره ۱، ص ۱۴۹-۱۷۱.

فلاحی، احسان و اسدالله عامری، (۱۳۹۵). ریشه‌های بحران اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۹۲-۶۶.

سمیعی اصفهانی، علیرضا و سارا فرحمنند، (۱۴۰۱). تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه «موازنه تهدید»، نشریه علمی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره ۳، ص ۱۲۸-۱۰۱.

قائدی، محمود. (۱۴۰۳). نقش جنگ اوکراین و اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه در تقویت روابط روسیه و ایران، دانشگاه علوم و تحقیقات، پایان نامه کارشناسی ارشد.

نقش‌آفرینی ترکیه میان روسیه و غرب، (۱۴۰۱). شورای روابط خارجی

<https://www.scfr.ir/fa/200/145702>

وضعیت دشوار ترکیه در قبال بحران اوکراین، (۱۴۰۰). برگرفته از سایت:

<https://farsi.iranpress.com/>

مفاهیم: توازن قوا چیست؟، (۱۳۸۷). برگرفته از سایت:

<https://www.hamshahrionline.ir/news/76055>

قربان‌اوغلی، جاوید. (۱۴۰۱). جنگ اوکراین و منافع ایران، روزنامه هم‌میهن:

<https://hammihanonline.ir>

ایمانی، امیر. (۱۴۰۰). تحلیل استراتژی ترکیه در بحران اوکراین و روسیه، برگرفته از

سایت مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه به آدرس:

<https://www.cmess.ir/Page/View/2022-03-12/5045>

یشیل‌تاش، مراد. (۲۰۲۴). سیاست ترکیه در مورد بحران اوکراین، سیاست ترکیه در مورد

بحران اوکراین در چهارچوب چهار عامل شکل گرفته است، برگرفته از سایت تی.

آر. تی ترکیه به آدرس:

<https://www.trt.net.tr/persian/brnmh-h/2022/02/10/m-jzh-gyhn-drmn-gyhy-khbd-chrb>

یعقوبی‌راد، پویا، (۱۴۰۰). درنگی کوتاه در ریشه‌های تاریخی جنگ روسیه و اوکراین،

برگرفته از سایت:

<https://unstudied.ir/iauns-forum>

## انگلیسی:

Walt, Stephen (2010). *Realism and Security*. The International Studies Encyclopedia. Ed. Robert A. Denemark. Wiley-Blackwell.

Frieden, Jeffrey, David Lake (etal). (2000). *International Political Economy: Perspectives on Global Power and Wealth*, New York: St. Martin's Press.

Saleh, Alam (2022) *The Ukraine war has made Iran and Russia allies in economic isolation. Here's how*, Atlantic Council.

Iran's Representative Office in the United Nations. (2022). *Iran's position on the situation in Ukraine*.

Sadri, Sayyad (2023). *The Geopolitical Impacts of the Russo-Ukrainian War on Iran*, Krakowskie Studia Miedzynarodowe, No.10, Pp. 43-45. DOI:

---

10.48269/2451-0610-ksm-2023-1-002.

Sharafedin, Bozorgmehr and Tan, Florence and Chen, Aizhu(2022). **More Russian oil going east squeezes Iranian crude sales to China**, Reuters, May 20, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2022/5/19/morerussian-oil-going-east-squeezes-iranian-crude-sales-to-china>.

Kusa, Iliya (2022). **Turkey's Goals in the Russia-Ukraine War**, The Wilson Center, <https://www.wilsoncenter.org/blog-post/turkeys-goals-russia-ukraine-war>.

Isler, Cansu (2022). **War in Ukraine: A View from Turkey**, The Conference Board. Retrieved from: [www.conferenceboard.org](http://www.conferenceboard.org).